

روند شاخص‌های اجتماعی ایران

(برخی زوایای ناکاویده)

مسعود صوفی مجیدپور

اولین گزارش ملی توسعه انسانی ایران (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، ۱۳۷۸) تصویری دلگرم‌کننده از وضعیت نیروی انسانی و برخی شاخص‌های ضمنی اجتماعی ارائه می‌کند. اما به نظر می‌رسد که با گسترش دامنه تعاریف و کاربرد شاخص‌های جدید، این تصویر چندان دلگرم‌کننده نباشد. بی‌تردید ارزیابی دقیق ویژگی‌های انسانی و پتانسیل‌های اجتماعی جامعه بر تعریف جامعه و زیرمجموعه‌های آن، غایت زندگی اجتماعی، تعریف عملکرد نظام اجتماعی و شاخص‌های اندازه‌گیری آن مبتنی است. در این مقاله سعی شده است با استفاده از برخی شاخص‌های اجتماعی و استناد به آمار و ارقام رسمی، ابعادی دیگر از کیفیت واقعی زندگی اجتماعی ایران ارزیابی شود. هدف این مقاله به هیچ‌وجه تشکیک در صحت و سقم آمار و ارقام رسمی و قدرت توضیح‌دهندگی شاخص‌های توسعه انسانی نیست تا دستاوردهای اساسی دولت یا بخش خصوصی را زیر سؤال ببرد. پیام اصلی این مقاله را باید دعوتی به فراختر کردن دامنه شاخص‌های اجتماعی و تلاش در جهت ساخت شاخص‌های ترکیبی دانست.

کارشناس ارشد اقتصاد، عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد واحد فیروزکوه - masoud-
<sofi@hotmail.com>

کلیدواژه‌ها: توسعه انسانی، شاخص‌های اجتماعی، نظام اجتماعی

مقدمه

جامعه مجموعه‌ای است مرکب از سازمان‌ها، نهادها و روابطی که رابطه بین افراد را تنظیم می‌کنند. هدف از زندگی اجتماعی هرچه باشد، به هر حال رضایت‌مندی افراد از زندگی در جامعه‌ای معین ملاک و معیاری قابل قبول برای اندازه‌گیری عملکرد آن جامعه است. از آنجا که بخشی از این رضایتمندی محصول امکاناتی است که جامعه در اختیار افراد و اعضای خود قرار می‌دهد، منطقی به نظر می‌رسد اگر مجموعه امکانات سخت‌افزاری و نرم‌افزاری در اختیار افراد را نیز یکی از ملاک‌های سنجش رضایتمندی افراد جامعه بدانیم. آن‌گاه با فرض اینکه بین میزان رضایتمندی فردی اعضای جامعه و عملکرد اجتماعی رابطه‌ای مثبت برقرار است، می‌توانیم امکانات در اختیار افراد را ملاکی برای ارزیابی تقریبی عملکرد اجتماعی تلقی کنیم. چنین تلقی ضمنی‌ای از رفاه اجتماعی، بن‌مایه دیدگاهی نظری است که گزارش توسعه انسانی ایران براساس آن تهیه و تنظیم شده است. پرسشی که در اینجا مطرح می‌شود این است که آیا با استفاده از دیدگاه‌های دیگری سواى این دیدگاه تقریباً فایده‌گرایانه نمی‌توانیم درصدد ارزیابی عملکرد اجتماعی برآیم؟ به این پرسش شاید بتوان این‌گونه پاسخ داد که به هر حال جامعه یا اجتماع باید شرایطی را فراهم کند که افراد و اعضای آن بتوانند مجموعه تواناییهای خود را از قوه به فعل تبدیل کنند. از طرف دیگر، گذار از جامعه‌ای با افراد بالقوه توانا به جامعه‌ای که افراد آن بتوانند مجموعه تواناییهای خود را در عمل متجلی کنند نیازمند سرمایه‌گذاری‌هایی است عظیم، با این هدف که ضمن حفظ انسجام و قوام جامعه، تک‌تک افراد بتوانند تواناییهای خویش را جامعه فعلیت ببوشانند و با برخورداری از حداکثر امکانات فردی و جمعی، به کار و تلاش مشغول شوند. چنین گذاری البته چندان آسان نیست، زیرا حداقل در حوزه اقتصاد هنوز

اجماع قانع‌کننده‌ای وجود ندارد که چرا و چگونه توانمندسازی تک‌تک افراد جامعه به توانمند شدن کل آن جامعه خواهد انجامید. دیگر آنکه به صرف افزایش درآمد واقعی جامعه - و نه درآمد اسمی آن - نباید انتظار داشت که گذار اتفاق بیافتد. رشد امکانات طبیعی، اصلاح توزیع اجتماعی، طبقاتی و جنسیتی مجموعه امکانات مالی، فیزیکی، آموزشی و بهداشتی، برنامه‌ریزی برای جهت دادن به تغییر و تحولات اجتماعی و، مهم‌تر از همه، داشتن تعریف یا تعاریفی صحیح از جامعه، فرد، پیشرفت، وضع مطلوب یا نامطلوب و... شرط‌های لازم برای این گذارند. اندازه‌گیری کیفیت این گذار و سنجش موقعیت آن در هر لحظه از زمان نیازمند ملاک‌ها و معیارهایی است که میزان کارکرد و کیفیت عملکرد اجزای مختلف نظام اجتماعی را اندازه‌گیری کنند. این ملاک‌ها و معیارها را شاخص‌های اجتماعی می‌نامیم.

(۱) شاخص‌های اجتماعی ایران در گزارش ملی توسعه انسانی

آیا شاخص‌های اجتماعی ایران در سال‌های اخیر روند صعودی نشان می‌دهند یا نزولی؟ آیا تغییر محسوسی در شاخص‌های اجتماعی ایران به وجود آمده است؟ چه ارتباطی بین سیاست آزادسازی اقتصادی و کاهش دخالت دولت در حوزه رفاه از یک سو و شاخص‌های اجتماعی ایران از سوی دیگر وجود دارد؟ واقعیت این است که، به دلایل متعددی، پاسخ دقیق به این پرسش‌ها چندان آسان نیست. کمبود نظام آمار و اطلاعات، دشواری تعریف و اندازه‌گیری، فقدان اجماع نظری و متناقض بودن برخی شواهد با یکدیگر از جمله دلایل دشواری کار است. اما به‌رغم این دشواری، تلاش‌های زیادی برای تولید داده‌ها و کمی کردن شاخص‌های اجتماعی در سال‌های اخیر صورت گرفته است. یکی از برجسته‌ترین این تلاش‌ها «اولین گزارش توسعه انسانی ایران» است که آمارهای زیادی از روند توسعه انسانی و اجتماعی ایران در دهه ۱۳۶۷-۱۳۷۶ (۱۹۸۸-۱۹۹۸) ارائه

می‌کند (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، ۱۳۷۸). آمارهای این گزارش که با مراجعه به انبوهی از منابع داخلی و چند منبع خارجی جمع‌آوری و پردازش شده‌اند، در مجموع، تصویری دلگرم‌کننده و چشم‌اندازی روشن از روند توسعه انسانی در دهه مزبور پیش روی خواننده قرار می‌دهند.

جدول ۱- شاخص توسعه انسانی ایران

۱۳۷۶	۱۳۷۵	۱۳۷۴	۱۳۷۳	۱۳۷۲	۱۳۷۱	۱۳۷۰	۱۳۶۹	۱۳۶۸	۱۳۶۷
۰/۷۵۸	۰/۷۶۲	۰/۷۵۹	۰/۷۶۱	۰/۷۶۰	۰/۷۶۷	۰/۷۳۶	۰/۷۱۱	۰/۶۵۸	۰/۶۴۲

براساس روش توصیه‌شده برنامه توسعه سازمان ملل متحد (UNDP)، اجزای شاخص توسعه انسانی عبارت‌اند از: امید به زندگی در بدو تولد، میزان باسوادی بزرگسالان، نسبت ترکیبی ثبت‌نام ابتدایی و متوسطه و دبیرستان، و تولید ناخالص داخلی سرانه به دلار براساس شاخص برابری قدرت خرید (PPP\$). پس از محاسبه شاخص‌های مزبور، سه نماگر ترکیبی امید به زندگی، شاخص آموزش و شاخص تولید ناخالص داخلی محاسبه می‌شود. شاخص توسعه انسانی میانگین غیروزنی این سه شاخص است. با نگاهی به اجزای فوق می‌توان دریافت که همسو با رشد مداوم شاخص توسعه انسانی ایران در دهه مزبور، رشد کلی اجزای شاخص توسعه انسانی در همان دهه (به استثنای شاخص تولید ناخالص داخلی که در نیمه اول دهه افزایش و در نیمه دوم آن کاهش نشان می‌دهد) مثبت بوده است. یادآوری این نکته لازم است که حتی شاخص تولید ناخالص داخلی، به‌رغم روند نزولی در نیمه دوم دهه، در طول دهه مزبور به طور کلی رشد کرده است.

ذکر این نکته لازم است که هرچند موضوع گزارش مزبور شاخص‌های انسانی است، برخی از شاخص‌های اندازه‌گیری شده در آن در محاسبات مربوط به شاخص‌های اجتماعی هم به‌کار گرفته می‌شوند.

Purchasing Parity Power

جدول ۲- رشد اجزای شاخص توسعه انسانی ایران (۱۳۶۷-۷۶)

متوسط میزان رشد	میزان کلی رشد در طول دهه (درصد)	سال		شاخص
		۱۳۷۶	۱۳۶۷	
۱/۳	۱۲/۸۲	۶۹/۵	۶/۶۱	امید به زندگی در بدو تولد**
۳	۳۰/۴۷	۷۴/۵	۵۷/۱	نرخ رشد باسواد بزرگسالان***
۱/۴	۱۴/۳۲	۷۵	۶/۶۵	نرخ ترکیبی نسبت ثبت نام ناخالص
۴	۵۶/۴۰	۵۲۲۲	۳۷۱۵	تولید ناخالص واقعی سرانه به دلار****
۴	۵۶/۴۰	۵۲۲۲	۳۷۱۵	تولید ناخالص سرانه تعدیل شده
۲/۱	۲۱/۶۳	۰/۷۴۲	۰/۶۱۰	شاخص امید به زندگی
۲/۵	۲۴/۷	۰/۷۴۲	۰/۵۹۹	شاخص آموزش
۰/۹۶	۹/۶۳	۰/۷۸۵	۰/۷۱۶	شاخص تولید ناخالص داخلی
۱/۸	۱۸/۰۶	۰/۷۵۸	۰/۶۴۲	شاخص توسعه انسانی

مأخذ: «اولین گزارش ملی توسعه انسانی ایران» ۱۳۷۸

با فرض خطی بودن روند رشد

به سال

به درصد

براساس شاخص برابری قدرت خرید (PPP)

جدول ۲ نشان می‌دهد که مجموعه اجزای تشکیل دهنده شاخص توسعه انسانی ایران در طول دهه ۱۳۶۷-۱۳۷۶ به طور کلی رشد کرده است. در این میان، رشد تولید ناخالص واقعی سرانه (۵۶/۴۰)، نرخ باسواد بزرگسالان (۳۰/۴۷) و شاخص آموزش (۲۴/۷) برجسته‌تر است. همان‌طور که پیشتر گفته شد، شاخص تولید ناخالص داخلی، به‌رغم

نوسان در نیمه دهه مورد نظر، به طور کلی رشد کرده است. تأکید بر همسویی کلی بین شاخص توسعه انسانی و تولید ناخالص سرانه در جدول دیگری نشان داده شده است.

جدول ۳- همسویی کلی بین شاخص توسعه انسانی و تولید ناخالص سرانه*

سال	۱۳۶۷	۱۳۶۸	۱۳۶۹	۱۳۷۰	۱۳۷۱	۱۳۷۲	۱۳۷۳	۱۳۷۴	۱۳۷۵	۱۳۷۶
شاخص توسعه انسانی	۰/۶۴۲	۰/۶۵۸	۰/۷۱۱	۰/۷۳۶	۰/۷۶۷	۰/۷۶۰	۰/۷۶۱	۰/۷۵۹	۰/۷۶۲	۰/۷۵۸
تولید ناخالص سرانه	۲۵۰۵	۲۵۳۷	۲۲۹۷	۳۰۱۵	۳۱۴۷	۳۲۴۶	۳۱۸۹	۳۰۹۴	۲۹۹۶	۳۰۴۱
رشدسالانه تولید ناخالص سرانه	-۱۱/۲	۱/۳	-۹/۵	۳۱/۳	۴/۴	۳/۱	-۱/۸	-۳	-۳/۲	۱/۵
رشد متوسط تولید ناخالص سرانه	۳/۴۵									

مأخذ: «اولین گزارش ملی توسعه انسانی ایران»، ۱۳۷۸

ذکر این نکته لازم است که عنوان جدول در متن اصلی چنین است: روند تحول شاخص توسعه انسانی

و درآمد سرانه

پیام ضمنی همخوانی رشد مشهور شاخص توسعه انسانی ایران از ۰/۶۴۲ به ۰/۷۵۸ در دهه (۱۳۶۷-۱۳۷۶) با رشد متوسط ۳/۴۵ درصدی تولید ناخالص سرانه توجه دادن خواننده به ارتباط مثبت عوامل درآمدی و شاخص‌های انسانی و اجتماعی است. چنین برداشتی از وجود میان رشد اقتصادی و توسعه انسانی، اولاً، متأثر از دیدگاهی است که براساس آن بین رشد و توسعه چندان تفاوتی وجود ندارد. ثانیاً، به دلیل دشواری اندازه‌گیری متغیرهای غیراقتصادی، به سادگی نمی‌توان آنها را در محاسبات مربوط به ارتباط متغیرهای اقتصادی و غیراقتصادی وارد کرد. اما رشد متغیرهای انسانی، که نتیجه سرمایه‌گذاری‌های آموزشی و بهداشتی است، تا چه حد در شاخص‌های اجتماعی ایران تأثیر داشته است؟ بحث نظری در این باره به سادگی امکان‌پذیر نیست زیرا همانگونه که پیشتر گفته شد، به فرض آنکه توانایی‌ها و امکانات فردی تک‌تک افراد جامعه بهبود پیدا کرده باشد، نمی‌توان انتظار داشت که به صرف سرمایه‌گذاری‌های انسانی، عملکرد زندگی اجتماعی که یک کل است نیز بی‌هیچ واسطه‌ای بهبود پیدا کند. اینکه چگونه می‌توان از افراد به جامعه گذر کرد، شاید از دشوارترین پرسش‌های نظری در علوم اجتماعی باشد که

پاسخ به آن نه در حوصله این مقاله است و نه در صلاحیت نگارنده. به همین دلیل شاید بهتر باشد که با فرض تأیید آمار و ارقام مندرج در گزارش توسعه انسانی ایران (۱۳۶۷-۱۳۷۶) از زاویه دیگری به بازنگری گزارش مزبور بپردازیم. مقایسه وضعیت توسعه انسانی در ایران با شاخص‌های جهانی مقدمه‌ای بر این بازنگری است.

۲) توسعه انسانی ایران و مقایسه‌های جهانی

به نظر می‌رسد که مقایسه جهانی نقطه شروع مناسبی برای ارزیابی جامع‌تر وضعیت شاخص‌های انسانی و اجتماعی ایران باشد. در عصر جهانی شدن که پیامدهای عینی آن ادغام اقتصادی، گسترش و نفوذ روابط و هنجارهای فرهنگی، کمرنگتر شدن مرزهای سیاسی و لزوم تعریف مجدد نقش دولت و بالاخره آشنایی روزافزون شهروندان ساکن در یک محدوده سیاسی با آنچه در محدوده‌های دیگر می‌گذرد است، چنین مقایسه‌ای گریزناپذیر به نظر می‌رسد. برای آنکه سخن به درازا نکشد، مستقیماً به سراغ گزارش توسعه انسانی سال ۲۰۰۲ (HDR, 2002) می‌رویم.

براساس گزارش مزبور، در بین ۱۷۳ کشور جهان، رتبه توسعه انسانی ایران که به کمک ترکیبی از متغیرهای جدول ۲ این مقاله اندازه‌گیری می‌شود ۹۸ است. در این گزارش نشان داده شده است که نروژ با شاخص توسعه انسانی ۰/۹۴۲ در رده اول جهان در سال ۲۰۰۲ و سیرالئون با شاخص توسعه انسانی ۰/۲۷۵ در رده آخر جهان قرار دارد. بنابراین، ایران به لحاظ شاخص توسعه انسانی تقریباً در میانه کشورهای جهان قرار می‌گیرد. (HDR, 2002: 149-152) نکته دیگر درخور توجه در گزارش مزبور تفاوت رتبه تولید ناخالص سرانه (براساس شاخص برابری قدرت خرید به دلار) و رتبه شاخص تولید انسانی است. این تفاوت در مورد ایران ۲۲- است، بدین معنا که رتبه تولید ناخالص سرانه ایران ۲۲ رتبه بالاتر از رتبه شاخص انسانی کشورمان است. به دیگر سخن، رتبه شاخص انسانی کشورمان ۲۲ مرتبه پایین‌تر از رتبه تولید سرانه آن است. پرسشی که مطرح می‌شود این است که دلیل این اختلاف فاحش چیست؟ با توجه به اینکه ایران در رده ۹۸ توسعه انسانی قرار دارد، با یک

جمع و تفریق ساده می‌توان نتیجه گرفت رتبه ایران از حیث تولید ناخالص سرانه در بین ۱۷۳ کشور جهان ۷۶ (۲۲-۹۸) است. تفاوت بین رتبه نروژ از حیث تولید ناخالص سرانه و شاخص تولید انسانی ۲+ و در مورد سیرالئون صفر است. تفاوت بین دو رتبه فوق در چند کشور در جدول ذیل نشان داده شده است.

جدول ۴- تفاوت رتبه شاخص‌های توسعه انسانی و درآمد سرانه در برخی کشورها

نام کشور	تفاوت رتبه	نام کشور	تفاوت رتبه
نروژ	+۲	کویت	-۱۰
سوئد	+۱۵	امارات متحده عربی	-۱۹
امریکا	-۴	قطر	-۲۵
آلمان	-۲	ونزوئلا	۱۰
کره جنوبی	+۱	آنگولا	-۳۶

مأخذ: HDR, 2002

قضاوت آماری در مورد الگوی حاکم بر اعداد و ارقام نشان‌دهنده این اختلاف است و مهمتر از آن، نتیجه‌گیری از وجود چنین اختلافی کاری نه‌چندان آسان. با این حال، تذکر ضمنی گزارش توسعه انسانی سال ۲۰۰۲ را نیز نباید نادیده گرفت. تأکید تهیه‌کنندگان این گزارش بر محاسبه اختلاف بین رتبه شاخص‌های انسانی و رتبه شاخص‌های درآمد یا تولید سرانه ملی حکایت از آن دارد که به سادگی نمی‌توان و نباید قدرت تولید ملی و درآمد ایجاد شده از آن را معادل بهره‌مندی شهروندان هر جامعه از مجموع توانایی‌ها و امکاناتی دانست که آن جامعه می‌تواند در اختیارشان قرار دهد. اگرچه در مورد متغیرهایی مثل امید به زندگی شاید ویژگی‌های قومی، نژادی و جغرافیایی مؤثر باشند، برقرار نبودن تناظر یک به یک بین توان اقتصاد و ویژگی‌های جامعه انسانی متناظر با آن اقتصاد نشان‌دهنده آن است که الگوی ترجمان توان اقتصادی به توان انسانی خطی و ساده نیست.

۳ گذر از شاخص‌های انسانی به شاخص‌های اجتماعی

اگر با پرهیز از ورود به بحث‌های نظری جامعه‌شناسانه، جامعه را محلی برای تعامل افراد معرفی کنیم، آن‌گاه می‌توانیم به کمک متغیرهایی که خصلت فردی آنها کم‌تر است و بیش‌تر به جمع تعلق می‌گیرند، در مورد کیفیت عملکرد اجتماعی قضاوت دقیقی داشته باشیم، برای مثال، شاید بتوان میزان رضایت‌مندی نخبگان هر جامعه از زندگی در آن جامعه را به کمک آمار مهاجرت آنان تخمین زد. همچنین شاید بتوان با مراجعه به آمار طلاق، میزان سستی یا استحکام واحد خانواده را در جامعه اندازه گرفت. همچنین آمار مربوط به شورش‌های شهری، اعتصابات، اعتیاد و ایدز (در حکم دو متغیری که هم خصلت فردی و هم خصلت و پیامد اجتماعی دارند) نیز برخی ویژگی‌های اجتماعی هر جامعه را نشان می‌دهد. کار کودکان، تعداد کودکان خیابانی، اسکان غیررسمی، خشونت‌های خانوادگی (که ممکن است در آمار طلاق مستتر باشند یا نباشند)، قاچاق مواد مخدر، قاچاق زنان و دختران و نیز پایین آمدن سن فحشا و اعتیاد به مواد مخدر از جمله متغیرها و شاخص‌هایی هستند که توجه به آنها پرسش‌هایی را در مورد ابعاد واقعی‌تر توسعه انسانی در ایران برمی‌انگیزد. از آنجا که متأسفانه آمار و ارقامی رسمی در مورد متغیرهای ذکر شده وجود ندارد، برای پرهیز از هرگونه گمانه‌زنی، به طرح پرسش‌هایی به شرح زیر اکتفا می‌کنیم:

- در سال‌های اخیر، در نشریات، سمینارهای علمی و گزارش‌های کارشناسی مستقل، در مورد ابعاد نگران‌کننده برخی شاخص‌های اجتماعی ارائه شده است. با این حال، برخی گزارش‌های رسمی، از جمله گزارش توسعه انسانی ایران، تصویری مثبت از روند توسعه انسانی در ایران ارائه می‌کنند. آیا اصولاً می‌توانیم روند مثبت توسعه انسانی را (با فرض قبول تعاریف، روش‌ها و آمار و ارقام گزارش توسعه انسانی ایران) نشانه و دلیل صحت نداشتن آمار و ارقام نگران‌کننده برخی شاخص‌های اجتماعی ایران (مثل اعتیاد و ایدز،

- فحشا، مهاجرت نخبگان، قاچاق زنان و دختران، اسکان غیررسمی، و طلاق) بدانیم؟ یا اینکه باید به وجود دو عرصه جداگانه توسعه انسانی و اجتماعی قائل باشیم؟
- گزارش مزبور تا سال ۱۳۷۶ را پوشش می‌دهد. آیا پس از آن نیز روند شاخص‌های انسانی ایران همچنان مثبت بوده است؟
 - اگر فرض کنیم که برخی متغیرهای اجتماعی در ایران روند نزولی طی می‌کند، آیا می‌توان رابطه‌ای بین سیر نزولی این متغیرها و سیر صعودی برخی دیگر از متغیرهای اقتصادی و اجتماعی برقرار کرد؟
 - آیا توزیع جغرافیایی امکانات اقتصادی و اجتماعی در مناطق مختلف ایران یکسان است؟ به عبارت دیگر، آیا برخی نامزونی‌ها بین اجزای مختلف شاخص کلی توسعه انسانی (که گاه در شاخص‌های اجتماعی هم تکرار می‌شوند) و شاخص‌های اجتماعی به توزیع ناموزون جغرافیایی امکانات اقتصادی و اجتماعی در ایران باز نمی‌گردد؟
 - توزیع فضایی شاخص‌های انسانی و اجتماعی بین شهر و روستا همگن است یا ناهمگن؟
 - آیا برخی از موارد یاد شده، مثل اختلافات خانوادگی، طلاق و مهاجرت نخبگان را می‌توان نشانه‌ای از افت کلی وضعیت اجتماعی قلمداد کرد؟ آیا حتی اگر آمار و ارقام مستندی درباره این پدیده‌ها وجود داشته باشد، می‌توان رشد آنها را نشانه عقب‌ماندگی و توسعه‌نیافتگی اجتماعی دانست؟ یا اینکه این پدیده‌ها را باید صرفاً نشانه برخی نوسانات در روند توسعه اجتماعی و نه الزاماً افت کلی آن تعبیر کرد؟ پیش از پاسخ به این سؤالات بهتر است در منطق برخی شاخص‌های متداول توسعه اجتماعی تأمل کنیم.

. در مورد طلاق مسئله کمی فرق می‌کند، زیرا آمار و ارقام رسمی در این مورد منتشر می‌شود.

۴) شاخص‌های متعارف توسعه اجتماعی

برخی شاخص‌های متعارف توسعه اجتماعی به شرح زیرند: (www.Ciesin.org)

۴-۱) میزان باروری

تعداد متوسط فرزندی که هر زن در طول دوران حیات خویش زنده به دنیا می‌آورد. از آنجا که جمعیت اصلی‌ترین پایه تشکیل اجتماع است و باروری و زاد و ولد یگانه سازوکار تشکیل جمعیت است، میزان باروری می‌تواند شاخصی برای اندازه‌گیری توان بالفعل جامعه برای تولید جمعیت باشد؛ ضمن آنکه بالا بودن این شاخص هشدار می‌دهد که آیا منابع طبیعی، امکانات تولیدی و سازماندهی موجود اجتماعی پاسخگوی نیازهای این جمعیت هست یا نه.

۴-۲) میزان مرگ و میر کودکان

تعداد نوزادانی که در هر هزار تولد زنده قبل از رسیدن به سن یک سالگی می‌میرند. مرگ و میر کودکان می‌تواند جریان تولید جمعیت را در سرچشمه خشک کند، پس میزان آن مهم است.

۴-۳) امید به زندگی در بدو تولد

تعداد سال‌هایی که هر کودک تازه متولد شده زنده خواهد ماند اگر الگوی موجود مرگ و میر در بدو تولد آن کودک در طول زندگی او بدون تغییر باقی بماند. زادوولد و تولید جمعیت به تنهایی کفایت نمی‌کند، بلکه جریان تولید جمعیت نیز باید پایدار باشد. امید به زندگی در بدو تولد پایداری سازوکار تولید جمعیت را اندازه‌گیری می‌کند.

با فرض آنکه شبیه‌سازی فعلاً در مقیاسی گسترده امکان‌پذیر نباشد.

۴-۴) نسبت جمعیت شهری

نسبت جمعیت ساکن در شهرها به کل جمعیت. به نظر می‌رسد ذکر این شاخص به عنوان یکی از اجزای شاخص توسعه اجتماعی به این ایده بازمی‌گردد که شهرها محل اصلی تولید ثروت‌اند (هر چند سهم بخش کشاورزی نیز بسیار مهم است) و از امکانات بیشتری برخوردارند، کارایی تولید و مصرف در آنها بالاست و به هر حال شهر نشانه تمدن و تجدد است.

۴-۵) تولید سرانه غذا

تولید سالانه کالاهای غذایی که متناسب با میزان رشد جمعیت تعدیل شده باشد. این شاخص، مواد غذایی مصرفی حیوانات و دانه‌های غذایی مورد استفاده در تولید کشاورزی را شامل نمی‌شود. پرواضح است که این شاخص نشانه توان کلی جامعه برای تولید مستقل مایحتاج خود است.

۴-۶) نیروی کار کشاورزی

نیروی کار شاغل در بخش زراعت، جنگل‌داری، صید و ماهیگیری. این شاخص، نسبت به کل نیروی کار، نشان‌دهنده سهمی است از نیروی کار که جامعه برای تولید مواد غذایی و مایحتاج اولیه خود کنار گذاشته است. این شاخص در ارتباط با شاخص تولید سرانه غذا قابل فهم‌تر است.

۴-۷) نیروی کار زنان

نسبت نیروی کار زنان به کل نیروی کار. از آنجا که بر طبق آموزه‌ای مدرن، زنان از حقوق خاص خود برخوردارند و یکی از مؤلفه‌های این حقوق، حق کار است، نسبت نیروی کار زنان می‌تواند حاکی از میزان تحقق عملی این آموزه باشد. در سطح عینی‌تر، از آنجا که زنان بخش قابل توجهی از افراد جامعه را تشکیل می‌دهند، نسبت نیروی کار زنان می‌تواند نشان‌دهنده آن باشد که جامعه مورد نظر تا چه حد توانسته بخشی از نیروی کار بالقوه خود

را وارد عرصه کار و اشتغال کند.

۴-۸ میزان ثبت‌نام ابتدایی

میزان ثبت‌نام ناخالص در سطح ابتدایی (فارغ از اینکه سن ثبت‌نام کننده چقدر است) به کل جمعیتی که در سن ثبت‌نام ابتدایی قرار دارند.

۴-۹ میزان ثبت‌نام متوسطه

به شیوه‌ای مشابه با ثبت‌نام ابتدایی محاسبه می‌شود و دانش‌آموزانی را که در مدارس متوسطه فنی و حرفه‌ای و مراکز تربیت معلم نیز ثبت‌نام کرده‌اند در بر می‌گیرد. در جدول زیر روند تغییرات شاخص‌های فوق‌الذکر از سال ۱۳۶۷ تا سال ۱۳۸۰ نشان داده شده است.

جدول ۵- میزان تغییر برخی شاخص‌های متداول توسعه اجتماعی ایران (۸۰ - ۱۳۶۸)

سال	۱۳۶۷	۱۳۷۰	۱۳۷۵	۱۳۸۰	درصد تغییر (متوسط)
نرخ باروری	۵/۹	۴/۹	۳	۲/۶	-۲۳
نرخ مرگ‌ومیر کودکان (در هر هزار تولد زنده)	۵/۶۳	۵۰/۲	۳۱/۷	۳۵	-۲۳
امید به زندگی در بدو تولد	۶/۶۱	۶۴/۷	۶۹/۲	۶۹	۴
نسبت جمعیت شهری	۵۴/۳	۵۷	۶۱/۳	۵/۶۴	۷
عرضه سرانه کالری روزانه	۲۶۱۲	۳۰۱۸	۳۵۰۵	—	۱۶
نسبت نیروی کار کشاورزی	۲۹	۲۴/۵	۲۳	۲۱/۴	-۹
نسبت نیروی کار زنان	۸/۹	۹/۴	۱۲/۱	۱۴/۵	۱۸
نسبت ثبت‌نام ابتدایی	۱۲۲/۵	۱۳۳/۸	۱۱۹/۱	—	-۱
نسبت ثبت‌نام متوسطه	۵۲/۷	۶۱/۷	۷۶/۸	—	۲

مأخذ: «اولین گزارش ملی توسعه انسانی ایران»، مرکز آمار ایران، بانک داده‌های شاخص‌های بانک جهانی

با توجه به اعداد و ارقام جدول ۵ می‌توان گفت که تغییر روند شاخص‌های متداول توسعه اجتماعی ایران به طور کلی امیدوارکننده است زیرا:

الف) کاهش میزان باروری نتیجه اجرای موفقیت‌آمیز سیاست‌های مهار جمعیت است. کاهش میزان متوسط رشد جمعیت از ۲/۴۶ در فاصله سال‌های ۱۳۶۷-۱۳۷۰ به ۱/۴۷ در فاصله سال‌های ۱۳۷۶-۱۳۸۰ و ادامه کاهش آن به ۱/۵ در سال ۱۳۸۱ مؤید این ارزیابی است.

ب) کاهش میزان مرگ و میر به میزان ۲۳ درصد مبین موفقیت سیاست‌های بهداشتی در دهه‌های ۱۳۶۰ و ۱۳۷۰ است. افزایش امید به زندگی در بدو تولد در تعیین این راستا قابل تغییر است.

ج) افزایش نسبت جمعیت شهری، همسو با کاهش نسبت نیروی کار کشاورزی، حکایت از تداوم روند مهاجرت از روستا به شهر دارد. ادامه این روند را باید به منزله افت کیفیت زندگی در روستا دانست.

د) کاهش نسبت ثبت‌نام ابتدایی، با توجه به تعریف آن، الزاماً به معنای کاهش ثبت‌نام کودکان در دوره سنی ابتدایی در دبستان‌ها نیست، بلکه می‌تواند به معنای کاهش ثبت‌نام دانش‌آموزان ابتدایی با سن بالاتر در این مقطع باشد. تغییرات هرم سنی ایران به نحوی است که در حال حاضر ظرفیت‌های فیزیکی در دوران ابتدایی جوابگوی کودکان آماده ثبت‌نام در این مقطع است. افزایش ثبت‌نام متوسطه نیز با توجه به تغییرات هرم سنی جمعیت قابل توضیح است.

۵) برخی زوایای ناکاویده شاخص‌های اجتماعی ایران

آیا تصویر مثبتی که جدول ۵ ارائه می‌کند کافی است تا از ارتقای کیفیت زندگی اجتماعی در ایران مطمئن باشیم؟ آیا به صرف اتکا بر روندهای امیدوارکننده جمعیتی، کار و اشتغال، تغذیه، آموزش و بهداشت می‌توان با اطمینان قضاوت کرد که کیفیت عملکرد نظام

اجتماعی در ایران افزایش یافته است؟ پیش از پاسخ به این پرسش بهتر است به برخی شاخص‌های دیگر نیز توجه کنیم:

جدول ۶- روند برخی نابسامانیهای اجتماعی

متوسط درصد رشد ^۶	۱۳۸۰	۱۳۷۹	۱۳۷۸	۱۳۷۷	۱۳۷۶	۱۳۷۵	۱۳۷۴	۱۳۷۳ ^۲	سال متغیر
۱۳	۱۵۱۹۱۱۳	۱۳۲۳۴۷۸	۱۱۶۷۶۷۵	۱۰۳۹۹۳۸	۹۶۹۹۸۲	۸۲۰۶۷۷	۷۲۷۵۳۱	۱۳۱۶۱۹	پرونده‌های مختومه در دادگاه ^۱
۱۴	۱۳۴۶۱۳	۱۲۰۵۳۸	۱۱۰۱۷۰	۹۹۶۶۲	۹۱۳۱۳	۶۹۳۷۷	۶۱۳۷۶	۹۸۳۹	پرونده‌های مختومه طلاق
۳/۸	۶۲۰۴۸	۵۳۰۹۷	۵۶۳۵۵	۶۰۵۹۷	۵۷۱۰۹	۵۵۳۱۹	۵۰۲۴۴	۵۱۸۶۹	دستگیرشدگان جرایم ^۳
۱/۹۵	۳۲۷۵	۲۷۴۹	۲۷۰۸	۲۷۹۷	۲۸۶۸	۲۸۱۸	۲۹۷۶	۳۴۷۹	خودکشی ^۴
۲/۹	۱۱۱۹۳۶	۱۸۸۳۷۹	۲۰۲۷۵۱	۱۳۹۱۳۳	۱۵۶۲۲۱	۱۶۳۸۵۵	۱۸۹۲۶۷	۱۳۵۹۰۶	انواع مواد مخدر کشف شده ^۵

- ۱- شامل قتل عمد، ایراد ضرب و جرح، اختلاس، ارتشاء و جعل، سرقت، صدور چک بلامحل
مأخذ: دادگستری جمهوری اسلامی ایران، دفتر آمار و پردازش داده‌ها (سال ۱۳۷۳ در محاسبه لحاظ نشده است).
- ۲- آمار ارائه شده فقط هشت ماه آخر سال ۱۳۷۳ را پوشش می‌دهد.
- مأخذ: دادگستری جمهوری اسلامی ایران (سال ۱۳۷۳ در محاسبه لحاظ نشده است).
- ۳- مأخذ: نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران، معاونت طرح و برنامه و بودجه، اداره آمار
- ۴- مأخذ: پرونده‌های تشکیل شده در مورد اقدام به خودکشی در حوزه استحضاطی نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران
- ۵- مأخذ: نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران (اعداد به کیلوگرم هستند).
- ۶- با فرض ثابت بودن روند تغییر در طول دوره (فرض خطی بودن روند)

تفسیر و تغییر اعداد و ارقام مندرج در جدول ۶ بدون در نظر گرفتن نتایج جداول قبلی چندان حساسیت برانگیز نیست. به سادگی می‌توان در طول سال‌های ۱۳۷۳ تا ۱۳۸۰ روند رشد برخی از نابسامانی‌های اجتماعی را مثبت ارزیابی کرد. چنین تفسیری البته مبتنی بر غفلت از برخی تعاریف و چشم پوشیدن از ویژگی اصلی جامعه به مثابه یک کل است. اگر جامعه را مجموعه‌ای از سازمان‌ها، روابط و نهادهای مرتبط به هم بدانیم، چگونه می‌توانیم از وجود روندهای متناقض در آن چشم‌پوشی کنیم یا احیاناً درصدد توجیه آن روندها برآییم؟ پرسش اصلی ما این است که چگونه به رغم رشد مثبت همه شاخص‌های متداول انسانی و اجتماعی، برخی از مهم‌ترین شاخص‌های اجتماعی نظیر طلاق که مبین استحکام یا سستی نهاد خانواده است روند نزولی، آن هم با سرعتی نگران‌کننده را نشان می‌دهد. اگر روند شاخص‌های آموزش مثبت است (جدول ۲)، چرا نتیجه ارتقای آموزش در کاهش پرونده‌های مختومه در دادگاه متجلی نمی‌شود؟ اگر شاخص امید به زندگی روز به روز رو به بهبود است، افزایش میزان خودکشی‌ها را چگونه باید توجیه کرد؟ ارتباط بین رشد درآمد سرانه و افزایش مواد مخدر کشف شده را چگونه باید تفسیر کرد؟

در پاسخ به چنین سؤالاتی می‌توان نقدهای کلی زیر را مطرح کرد:

الف) سازوکارهای اجتماعی بسیار پیچیده‌اند؛ بنابراین، طرح چنین پرسش‌هایی که پاسخ دقیق به آنها منوط است به برقراری ارتباط نظری بین مفاهیم نه چندان روشن کاری است عبث و بیهوده؛

ب) در محاسبه شاخص‌های توسعه انسانی و اجتماعی و شاخص‌های نابسامانی‌های اجتماعی، متغیر به اندازه کافی در نظر گرفته نشده است. به عبارت دیگر اگر از متغیرهای بیشتری استفاده می‌شد، احتمالاً چنین همسویی‌هایی بین روند مثبت شاخص‌های توسعه انسانی و اجتماعی از یک طرف و شاخص‌های نابسامانی‌های اجتماعی از طرف دیگر مشاهده نمی‌شد؛

ج) طول دوره‌های زمانی مورد استفاده آن قدر زیاد نیست که بتوان از آن استنتاج آماری معتبر کرد؛

د) جرم و جنایت، طلاق، اعتیاد و... جنبه‌هایی از زندگی اجتماعی‌اند و میزان باروری، آموزش، میزان مصرف کالری، نسبت شهرنشینی، نسبت کار زنان و... بخش‌های دیگر آن. به دلیل کثرت ابعاد زندگی فردی و همچنین چند بُعدی بودن پدیده‌ای به نام جامعه، نباید درصدد مقایسه شاخص‌های مختلف اجتماعی برآمد. هر یک از این شاخص‌ها فقط یک یا چند جنبه از جنبه‌های متکثر جامعه و زندگی اجتماعی را اندازه‌گیری می‌کنند. سرجمع کردن (aggregation) این جنبه‌ها امکان‌پذیر نیست. در واقع، ناهمخوانی این شاخص‌ها فقط نشانه آن است که برخی جنبه‌های اجتماعی مثبت و برخی منفی است و هیچ نتیجه‌گیری دیگری امکان‌پذیر نیست.

شاید بتوان در جواب به این نقدها پاسخهای ذیل را مطرح کرد:

الف) پیچیده بودن سازوکارهای اجتماعی نباید مانع از تلاش ما برای پیشرفت نظری در زمینه درک این سازوکارها شود؛

ب) به نظر می‌رسد اگر متغیرهای بیشتری در نظر گرفته شود نیز نتیجه چندان تفاوتی نخواهد کرد. خوانندگان علاقه‌مند می‌توانند متغیرهایی مثل شورش‌های شهری، اعتصابات، مهاجرت نخبگان، افسردگی جوانان و بی‌نشاطی آنان، و ترک تحصیل را در طرف نابسامانی‌های اجتماعی و متغیرهایی همچون تعداد ورزشگاه‌های ساخته شده، سرمایه‌گذاری‌های آموزش عالی، رشد تعداد دانشجویان و رشد تعداد استادان را در طرف شاخص توسعه انسانی وارد کنند. هرچند در مورد متغیرهای نخست (شورش‌های شهری، اعتصابات و...) متأسفانه آمارهای مستندی ارائه نمی‌شود، حداقل در سطح آمارهای غیررسمی اعلام نشده از طریق اخبار روزنامه‌ها و حتی رادیو و تلویزیون نتیجه بحث چندان تغییر نخواهد کرد؛

ج) اگرچه طول دوره زمانی مورد بحث (حداکثر دوره چهارده ساله ۱۳۶۷-۱۳۸۰) به لحاظ آماری چندان مقبول نیست، باید توجه داشت که درون‌مایه اصلی بحث ما «گذار اجتماعی» است، نه «ثبات ساختارهای اقتصادی و اجتماعی». برای استخراج الگوی ساختارهای اقتصادی و اجتماعی، به دوره‌های زمانی طولانی‌تری احتیاج داریم تا بتوانیم

مدعای خود را اثبات کنیم، اما در این بحث ما فقط به دنبال نشان دادن تغییر یا گذاری هستیم که به نظر می‌رسد با سرعتی چشمگیر در ابعاد مختلف زندگی اجتماعی ایرانیان در حال وقوع است؛

د) هرچند ساختن و تعریف یک شاخص که بتواند به نحو کلی (aggregate) مبین وضع اجتماعی باشد در سطح فعلی دانش نظری اجتماعی غیرممکن می‌نماید، اما ذکر شاخص‌های مختلف و توجه دادن به همسو بودن یا نبودن روند آنها الزاماً به معنای دعوت به سرجمع کردن شاخص‌ها نیست. بلکه می‌تواند دعوتی باشد به دست شستن از ساده‌انگاری و پرهیز از دلخوش کردن خود به چند عدد و رقم ساده!

پرسش اصلی مقاله این است که آیا به صرف افزایش روند مصرف کالری روزانه، کاهش میزان باروری، افزایش میزان اشتغال زنان و متغیرهایی از این دست می‌توان گفت که زندگی اجتماعی ایرانیان رو به بهبود است؟ پاسخ به برخی جنبه‌های این پرسش چندان دشوار نیست. برای مثال، منابع غنی جامعه‌شناسی شهری آکنده از نظریه‌ها، مشاهدات آماری، تحقیقات موردی و، به طور کلی، داده‌ها و اطلاعاتی است که نشان می‌دهند بین افزایش شهرنشینی و رشد جنایات و جرایم رابطه معناداری وجود دارد. اما آیا در مورد ارتباط بین تک تک شاخص‌های دیگر هم چنین مطالعات واضحی وجود دارد؟ چگونه می‌توانیم با استناد به روند دلگرم‌کننده شاخص‌های انسانی و اجتماعی از نخبگان بخواهیم که از مهاجرت به خارج از کشور منصرف شوند؟ چگونه می‌توانیم با استناد به کاهش میزان باروری که به معنای کاهش بار تکفل خانواده‌هاست از متقاضیان طلاق بخواهیم به فکر آشتی باشند؟ آیا افزایش درآمد ملی الزاماً به معنای افزایش فرصت‌های شغلی شرافت‌مندانه است؟ چنین پرسش‌هایی البته مبتنی بر ارزش‌داوری‌اند، اما آیا تأکید ضمنی بر ارتباط میان افزایش شاخص توسعه انسانی و رشد تولید ناخالص سرانه متضمن هیچ گونه ارزش‌داوری نیست؟ آیا وقت آن نرسیده است که دست از ساده‌انگاری در تحلیل‌های اجتماعی برداریم؟

۶) نتیجه‌گیری

شاخص‌های اجتماعی معیارهایی را برای اندازه‌گیری جنبه‌های مختلف وضعیت اجتماعی ارائه می‌کنند. براساس گزارش توسعه انسانی ایران از یک سو و استخراج شاخص‌های مرسوم اجتماعی از سوی دیگر، تصویری دلگرم‌کننده از پتانسیل‌های انسانی و اجتماعی ایران به دست می‌آید. اما از منظری دیگر به نظر می‌رسد که باید با احتیاط بیشتری با روند صعودی شاخص‌های مرسوم برخورد کرد. چرا که گسترش واقعیاتی همچون طلاق، مهاجرت نخبگان، اعتیاد، ایدز، جرایم و تخلفات به نگرانی‌هایی در مورد توان اجتماعی و انسجام یکپارچگی جامعه ایرانی و زیرمجموعه‌های آن دامن می‌زند. آمار و ارقام مطرح شده در این مقاله را نه باید به معنای اثبات تام نگران‌کننده بودن وضعیت اجتماعی ایران دانست و نه به معنای کاملاً دلگرم‌کننده بودن آن. هدف این مقاله، همان‌طور که در چکیده آن آمده است، صرفاً دعوتی است به پرهیز از ساده‌انگاری در ارزیابی وضعیت اجتماعی.

- ۱- جزایری، علیرضا. (۱۳۸۱). «نگاهی به وضعیت بازار مواد مخدر در ایران و سایر کشورها»، فصلنامه رفاه اجتماعی. شماره ۵.
- ۲- رئیس دانا، فریبرز و همکاران. (۱۳۷۹). *فقر در ایران* (مجموعه مقالات). تهران: انتشارات دانشگاه علوم بهزیستی.
- ۳- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور (سازمان برنامه و بودجه سابق). (۱۳۷۸). «اولین گزارش ملی توسعه انسانی ایران».
- ۴- محسنی تبریزی، علیرضا. (۱۳۸۰). «بررسی وضعیت کودکان بی سرپرست در ایران». فصلنامه تأمین اجتماعی. شماره ۹.
- ۵- مرکز آمار ایران. *سالنامه آماری کشور*. سال‌های مختلف.
- ۶- معینی، محمد رضا. (۱۳۸۱). «سیاست اجتماعی - سیاست اقتصادی». فصلنامه گفتگو، شماره ۳۵.
- 7- "Human Development Report" (HDR), 2002. UNDP. Oxford University Press.
- 8- World Development Indicators, 2002.
- 9- www.ciesin.org. World Bank: **Social Indicators of Development**.